

چند روایت برای روزی که به نام حضرت فاطمه معصومه (س) است
مرغ دلم راهی قم می‌شود...

فرهنگ

سه‌شنبه ۳ تیر ۱۳۹۹ :: شماره ۵۶۸۷



کتاب امیرخانی در ارمنستان

رمان «من او» وقتی در ایران منتشر شد، سرو صدای زیادی به پا کرد و حالا می‌رود که در ارمنستان هم منتشر شود و چه بسا آنجا هم مورد توجه قرار بگیرد. ماجرا از این قرار است که آژانس ادبی دایره میبا به نمایندگی از رضا امیرخانی، حق ترجمه و انتشار رمان «من او» را به یک ناشر ارمنستانی واگذار کرد. این رمان که پرفروش‌ترین اثر کارنامه رضا امیرخانی است، به انتشارات دازک ارمنستان فروخته شد. انتشارات دازک، از جمله ناشران معتبر ارمنستان است و چند سالی است پروژه‌ای برای ترجمه ادبیات سایر ملل را آغاز کرده و «من او»، رمان عاشقانه‌ای است که احوالات علی فتاح و مهتاب را در حوالی سال‌های ۱۳۱۰ روایت می‌کند. زبان تازه، حال و هوای تهران در آغازین سال‌های قرن چهاردهم و مضامین عرفانی و فلسفی موجود در کتاب، توجهات و جوایز زیادی برای این‌کتاب به ارمنان آورد. / فارس



انتشار همه آثار سبزواری

نه تنها وقتش رسیده بلکه دیر هم شده که همه آثار حمید سبزواری را یک‌جا داشته باشیم؛ مراسم رونمایی از کتاب «این بانگ آزادی»، مجموعه آثار این شاعر فقید برگزار می‌شود. این مراسم با همت گروه ادبیات اندیشه پژوهش‌گه فرهنگ و مطالعات اجتماعی روز دوشنبه ۹ تیرماه ۹۹ از ساعت ۱۸:۳۰ تا ۲۰:۳۰ در تالار علامه جعفری دفتر مرکزی پژوهشگاه برگزار خواهد شد. در این مراسم آیت... علی اکبر رشاد، موسس و رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، محمدرضا سنگری مدیر گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه و رضا اسماعیلی شاعر و منتقد ادبی سخنرانی خواهند کرد. همچنین در پایان مراسم از مجموعه کتاب‌های «این بانگ آزادی» رونمایی خواهد شد. دفتر مرکزی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در خیابان بهشتی، خیابان احمد قصیر، کوچه پژوهشگاه ۲ شماره ۲ واقع است.

معرفی ونگوگ به نوجوانان

کتاب «دیدار با ونسان ونگوگ» نوشته کارولینه برونسه با ترجمه شیوا مجیدی منتشر شد. این کتاب داستانی - تصویری با قیمت ۲۵ هزار تومان در مؤسسه انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شده و نکته اینجاست که این کتاب برای مخاطبان نوجوان تألیف شده و در آن ونسان ونگوگ به کمک آتش معرفتی شده است. برونسه در این کتاب با زبانی بسیار ساده و در عین حال تهییج‌کننده حس کنجکاوی مخاطبانش را برانگیخته و ونسان ونگوگ نقاش مشهور هلندی را به مخاطبانش معرفی کرده است. او برای این منظور بخش قابل توجهی از کتاب را به نمایش تابلوهای ونگوگ و نوشتن شرحی داستانی بر آنها اختصاص داده است. این کتاب ۲۸ تابلو از ونگوگ دستمایه تألیف متن و روایت داستانی قرار گرفته و زندگی‌نامه مختصری از ونسان ونگوگ و روایتی کوتاه از فرجام آثار هنری او نیز در کنار سرگذشتش در کتاب بازگو شده است. / ایستا



پاگشای اکران

پس از مدت‌ها کش و قوس، بالاخره تهیه‌کننده‌های «خوب، بد، جلف ۲» و «شنای پروانه» پذیرفتند در این شرایط حساس سینماها با این دو فیلم آغاز به کار کنند



یک کمدی پرتفردار را بخواباند یا نه.

درام اجتماعی فرادست کمدی؟

راستش را بخواهید ما معتقدیم با این‌که خوب، بد، جلف ۲ به دو دلیل اتکا به «خوب، بد، جلف ۱» و نیز فی‌نفسه کمدی بودن می‌تواند از همین الان برنده این مصاف انحصاری دو طرفه باشد، اما برخی مناسبات برقرار بر این موعد اکران و نیز به دلایلی که به خود فیلم شنای پروانه مربوط است، شاید باعث شود این درام اجتماعی تلخ بتواند از آن کمدی جلو بیفتد در فروش.

اگر شرایط عادی بود تهیه‌کننده شنای پروانه چیزی شاید در حدود ۲۰ میلیارد برای خود پیش‌بینی می‌کرد و تهیه‌کننده خوب، بد، جلف ۲ چیزی شاید بیش از ۳۰ میلیارد. خب حالا می‌دانیم این اعداد، آرزویی بیش نخواهند بود. اما معتقدیم شاید شنای پروانه بتواند به خاطر این‌که فیلم مهیج‌تری است، از فیلم کمدی پیمان قاسم‌خانی پیشی بگیرد.

حالا ممکن است عده‌ای بگویند در این شرایط

که مردم همچنان ممکن است برای حضور در

سالن‌های سینما هراس داشته باشند و سینماها

هم نمی‌توانند بیشتر از نصف صندلی‌ها را بفروشند،

چرا یکی از این دو فیلم اکران نشده تا آن یکی در این

میان آسیب نبیند.

عجله نکنید، بگذارید ببینیم چه می‌شود. شاید اصلا

هر دو فیلم در این موعد عجیب اکران سوختند و این

بحث‌ها دیگر از موضوعیت بیفتند. [\[۱\]](#)

ظاهرا همه چیز به خوبی و خوشی حل شده است؛ ناهایی‌که باید خریداری می‌شدند، شده‌اند و عروس و داماد پای سفره عقد رفته‌اند و همین چهارشنبه، یعنی فردا قرار است مراسم پاگشای هم برپا شود و نقل و سکه است که از سروکول مهمانان بالا می‌رود.

داریم درباره سریال دنباله‌دار آغاز اکران فیلم‌های سینمای ایران و بازگشایی سالن‌ها حرف می‌زنیم. خب اگر بدانید که ما چرا چه کش و قوسی را از سر گذرانده به ما حق می‌دهید که نتیجه کار را به یک مراسم عروسی و سپس پاگشا تشبیه کنیم. می‌دانید که بالاخره پس از ماه‌ها قرار بود سالن‌های سینما از اول تیر به روی مردم [واقعا می‌آیند؟! باز شوند و سینمای ایران از تعطیلی مطلق خارج شود. البته اگر از دنبال‌کننده‌های این صفحه باشید شاید گزاشی را که اخیرا با تیتراژ ۹۹ سال بدون سینما] منتشر کردیم خوانده و پی برده باشید که سینما داران معتقدند حتی با بازگشایی سالن‌ها هم سینمای ایران در سال ۹۹ علنا تعطیلی مطلق را تجربه می‌کند. این را مثلا مدیر سینما آزادی به جام جم گفته بود تا همین حالا که سینما چهار ماه تعطیل بوده، همین حالا هم که راه بیفتد با توجه به هراس مردم از ابتلا به ویروس کرونا روتنی نخواهد داشت. چند وقت بعد هم ماه‌های محرم و صفر از راه می‌رسد و فروش سینماها قاعدتا کم

می‌شود و پس از آن هم که پاییز است و احتمالا پیک دوم شیوه کرونا و تا آخر زمستان هم که هیچ.

با این حال، ما درباره حداقل‌های ممکن صحبت می‌کنیم. درباره این‌که کرکره سینماها بالا باشد و حتی شده نیم‌بند، سینما زنده بماند. در این مسیر مسؤولان با تهیه‌کننده‌های دو فیلم که قرار بود در موعد نوروز اکران شوند مذاکره کردند و البته مذاکرات اولیه به بن‌بست خورد و از همین رو بود که پاگشایی سینماها از اول تیر به بعد موکول شد. حالا به نظر می‌رسد تهیه‌کننده‌های این دو فیلم، از برخی خواسته‌های ایده‌آل‌گرایانه خود کوتاه آمده‌اند و از این سوهم مسؤولان قول‌هایی داده‌اند تا آنها کمتر به لحاظ مالی آسیب ببینند. از فردا سینماها با دو فیلم «خوب، بد، جلف ۲» و «شنای پروانه» آغاز به کار می‌کنند. این، پاگشای سینمای ایران است.

نمی‌رسد. این‌که فیلمی اجتماعی را به مصاف فیلمی کمدی بفرستیم، در وهله نخست شاید ذبح فیلم اجتماعی پیش پای کمدی پرهواداری چون خوب، بد، جلف ۲ باشد.

البته خب در چند سال اخیر چند استثنا، این قاعده رجحان کمدی‌ها بر اجتماعی‌ها را در فروش با خدشه مواجه کرده. مثلا «متری شیش و نیم» را به یاد بیاورید که تا مدت‌ها در صدر بود و سر آخر کمدی «مطرب» که به جدول اکران اضافه شد، جای آن فیلم اجتماعی را گرفت.

حالا باید منتظر ماند و دید، در مقطع حساس کنونی، این قاعده همچنان پابرجا خواهد بود یا این‌که شنای پروانه نیز می‌تواند یکی از معدود استثنای سینمای ایران باشد که به عنوان درامی اجتماعی بیاید و مش

شاید از این رو که فروش بلیت‌ها صرفا بین همین دو فیلم تقسیم شود و شاید جبران فروشی باشد که برای خودش پیش‌بینی کرده بودند.

کدام فیلم موفق می‌شود؟

خب حالا بیایید از دیگر سو به ماجرا نگاه کنیم. یعنی عجلتا فرض کنیم کرونایی نیامده و نرفته. فرض کنیم شرایط خاص نیست و قرار نیست اکران فیلم‌ها با اعمال محدودیت‌های اجتماعی و فروش نیمی از بلیت‌ها برای هر سانس اتفاق بیفتد. خب در این صورت، شانس موفقیت در اکران با کدام یک از این دو فیلم است؟

پیش از اینها بگذارید این را هم بگوییم که اگر شرایط عادی بود، این چنین مطلقا منطقی به نظر

چاره‌ای نداشتیم



محسن چگینی

تهیه‌کننده «خوب، بد، جلف ۲»

با توجه به شرایط کنونی و اعمال محدودیت‌های اجتماعی در آغاز فصل اکران، احتمالا به میزان فروشی که برای فیلم خود پیش‌بینی می‌کردیم نخواهیم رسید. اساسا انتظار استقبال مخاطب آنچنان که پیش از شیوع کرونا شاهد آن

بودیم، غیرمنطقی است. اما از سویی چشم‌اندازی نیز وجود ندارد که در آینده نزدیک، وضع سالن‌های سینما و اکران فیلم‌ها به روال عادی بازگردد و ما هم ناظر به همین امر که فعلا امیدی به اکران فیلم‌ها با همه ظرفیت صندلی سینماها نیست. پذیرفتیم به این فصل از اکران بیپوندیم تا سینما حداقل با دو فیلم موفق و مخاطب‌پسند استارت دوران جدید خود را بزند تا شاید رونق به سینما و تولید برگردد.

همه اینها را گفتیم اما معتقدم باید منتظر ماند و دید چه می‌شود. باید منتظر ماند و دید مخاطب چه استقبالی از فیلم‌ها در این شرایط خواهد کرد. دست کم یک هفته دیگر باید منتظر ماند.



صابر محمدی

ادبیات و هنر

کدام فیلم؟

خوب، بد، جلف ۲ و شنای پروانه دو فیلمی هستند که سینماها قرار است با اکرانشان، کرکره سینمای ایران را بالا بدهند. دو فیلمی که به خاطر جلب توجه‌ها در جشنواره فیلم فجر اخیر، توانسته بودند موعد نوروز را برای اکران به خود اختصاص دهند. موعدی که در شرایط عادی، بهترین زمان اکران است و همه برایش سرو دست می‌شکنند اما خب شیوع گسترده ویروس کرونا و تعطیلی سینماها از اسفند تا حالا باعث شد شیرینی این موعد، نه به تلخی تبدیل بلکه کاملا از موضوعیت خارج شود.

با این حال بدیهی بود حالا هم اگر قرار است فیلم‌هایی برای آغاز به کار سینماها انتخاب شوند، همین دو فیلم باشند؛ فیلم اجتماعی شنای پروانه محمد کارت که از جشنواره دست خالی برگشته و نیز خوب، بد، جلف ۲ کمدی پرتفرداری که در فهرست فیلم‌های مردمی جشنواره قرار گرفته بود.

اما همین دو فیلم ابتدای امر با علم به این‌که می‌توانند قربانی این مصالحه و خیر عمومی باشند یا پس کشیدند و حالا بر سر سفره آشتی‌کنان آمده‌اند.

همه بلیت‌ها فقط برای شما

در مقدمه گزارش گفتیم احتمالا تهیه‌کننده‌های این دو فیلم از مسؤولان قول‌هایی گرفته‌اند که حالا پذیرفته‌اند به این مصاف پرریسک بیایند. البته هیچ یک در این باره چیزی نمی‌گویند اما به نظر می‌رسد این‌که هیچ فیلم دیگری به این دو فیلم در این موعد اکران نمی‌پیوندند، امتیازی است که به این دو فیلم داده شده است.

بدیهی بود به جای این دو فیلم که خب فروش خود را در شرایط عادی تضمین شده می‌دیدند، بودند فیلم‌های دیگری که در شرایط کنونی نیز می‌خواستند اکران شوند.

اما مسؤولان صرفا همین دو فیلم را انتخاب کرده‌اند؛



سرنوشت غم‌انگیز دختر لر

سوم تیر روز تولد روح‌انگیز سامی‌نژاد نخستین هنرپیشه زن ایرانی است



صدیقه سامی‌نژاد معروف به روح‌انگیز، اولین بازیگر زن سینما ایران بود. او در اولین فیلم ایرانی که «دختر لر» نام دارد، نقش اول زن فیلم را به عهده دارد. فیلم دختر لر سال ۱۳۱۲ در بمبئی تولید و در بین مردم بیشتر با نام «جعفر و گلنار» شناخته شد.

این فیلم درباره گلنار، یک دختر لر در منطقه‌ای تحت کنترل راهزنان مسلح به فرماندهی قلی‌خان است. گلنار در قهوه‌خانه‌ای کار می‌کند و در آنجا با جعفر، مأمور دولت آشنا می‌شود و می‌خواهد با

او ازدواج کند. استقبال خوب از دختر لر سبب شد که سامی‌نژاد سال بعد در فیلم «شیرین و فرهاد» نیز نقش آفرینی کند.

در کارنامه بازیگری سامی‌نژاد تنها یک فیلم دیگر به جز این دو فیلم می‌بینیم و این یعنی این بازیگر تنها در سه فیلم نقش آفرینی کرده است. او سال ۱۳۴۹ در فیلم مستند «تاریخ سینمای ایران؛ از مشروطیت تا سپنتا» در این باره سخن گفت و از مصائبی که بر او گذشت، صحبت کرد و به تلخی گریست.

او در خصوص مشکلات حضور در سینما در آن دوران چنین گفته است: «به خاطر ناراحتی‌هایی که در موقع فیلمبرداری و بعد از آن، چه از جانب اقوام و خانواده و چه از جانب مردم کشیدیم (خدا می‌داند)، دیگر راضی به نقش آفرینی نشدم. هر زمان که از در شرکت بیرون می‌آمدم، مجبور بودیم سه نفر مستحفظ داشته باشیم، یک شوفر و دو نفر کمک شوفر که همیشه پرت نکنند.

هرجایی هم که می‌رفتیم، با پوشش کاملاً خودمان را استتار می‌کردیم تا شناخته نشویم...»

اما این تنها فیلم مستند مربوط به سامی‌نژاد نیست. فیلم مستند دیگری نیز از زندگی نخستین هنرپیشه زن ایرانی ساخته شده است، که در آن چهره مردی را می‌بینیم که از راننده وانتی که حامل آخرین وسایل باقیمانده از یک بانوی تنهای فوت‌شده بود، مبلغی دریافت می‌کند. مردی که نسبتش با آن راننده وانت و زنی که فوت‌شده مشخص نیست، اما بعدها کاشف به عمل می‌آید که او بهزاد بهزادزاده بوده که صبح روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۶ با صفحه سینمایی یکی از روزنامه‌ها تماس می‌گیرد و اعلام می‌کند که نخستین هنرپیشه بانوی ایرانی درگذشته است.